

## برنامه درسی و هویت بین‌المللی آن

### مجتبی دهدار

دانشجوی دکتری علوم تربیتی گرایش برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک و مدرس دانشگاه.

### چکیده

برنامه درسی قلب نظام تعلیم و تربیت و ابزاری در جهت تحقق اهداف تعلیم و تربیت است. برنامه درسی به عنوان یکی از حوزه های بحث بر انگیز در سال ۱۹۱۸ به وسیله فرانکلین بوبیت با انتشار کتابی تحت عنوان برنامه درسی هویت یافت. این حوزه تخصصی نسبتاً جوان از دهه های آغازین بیستم تا کنون در مسیر رشد و توسعه ای شتابان قرار گرفته است. رویکردها معاصر چالشهای جدیدی را جهت فهم آفرینی و توسعه بسترهای فهم برنامه درسی ایجاد کرده اند و باعث بوجود آمدن هویت های جدیدی در برنامه درسی شده اند که هر کدام مبحثی نوین در برنامه درسی را باعث شده اند که این محورها عبارتند از هویت سیاسی / انتقادی، هویت فمینیستی، هویت اتوبیوگرافیکال، هویت زیبایی شناختی / هنری، هویت بین المللی، هویت پدیدارشناختی، هویت پست مدرن / پساساختارگرایی. مقاله حاضر به بیان هویت بین المللی برنامه درسی می پردازد تا زمینه ای جهت تامل و اندیشه ورزی در مواجهه با هویت های نوین برنامه درسی فراهم آورد.

**کلید واژه ها:** رویکردهای برنامه درسی، هویت های جدید، هویت بین المللی برنامه درسی.

### مقدمه

صاحب نظران و اندیشمندان تعلیم و تربیت، برنامه درسی را مهمترین عنصر تشکیل دهنده نظام تعلیم و تربیت می دانند این حوزه یکی از جوانترین حوزه های معرفت بشری محسوب می شود که در عرصه ها و قلمروهای مختلف آن چنان پرشتاب در حال فهم آفرینی و تحول است که تعیین مرزها و حدود و ثغور برای آن امری دشوار و حتی غیر ممکن است. (فتحی و اجارگاه ۱۳۸۴) مطالعات برنامه درسی به عنوان زایده ای از یک حوزه علمی موجود، مثلاً به عنوان یک زیر حوزه از روان شناسی یا فلسفه آغاز نگردید بلکه مطالعات این حوزه به منظور سهولت در امور اجرایی یا احساس مسیولیت حرفه ای نسبت به مسایل مربوط به برنامه های درسی ایجاد شد. از این رو برنامه ریزان درسی از متنوع ترین پیشینه علمی برخوردار بودند. آنچه بین آنها مشترک بود، علاقه و مسیولیت نسبت به برنامه درسی بود این مساله سبب چندین تفکر اساسی ترین آنها عبارت است از رویکرد سنتی، تجربه گرایی مفهومی و نومفهوم گرایی مجال حضور یافتند (جیرو، پینا و پاینار- ۱۹۸۱).

### رویکرد سنتی

این رویکرد برنامه درسی را به عنوان یک سند مکتوب و به مثابه یک جریان فنی یا تکنولوژیک می داند که سعی دارد تمام اجزا و مراحل تدریس را به صورت مجموعه تصمیمات از پیش تعیین شده به مورد اجرا گذارد (فتحی و اجارگاه-۱۳۸۰) (مهرمحمدی- ۱۳۸۱) رویکرد سنتی به منظور فراهم آوردن امکاناتی جهت سهولت در اجرا شدیداً تحت سیطره افکار مدیریتی بوده و به جای آنکه به درک و فهم بهتر عناصر پیچیده در تعلیم و تربیت و تلاش در جهت به حداکثر رساندن اثر بخشی آن پردازد به افزایش حوزه های نظارت و کنترل بر یادگیرنده و جریان تعلیم و تربیت اقدام کرده است و فراگیران را به مثابه ماده خامی می داند که باید به محصولات نهایی که انتظارات گوناگون زندگی را برآورده می کنند تبدیل گردند.

تدایوکی (۱۹۸۸) برنامه درسی به عنوان طرح را دنیای مدیران آموزشی و طراحان برنامه درسی می داند که خاستگاهش بیرون کلاس درس است و معلم تنها کارمند و نصاب برنامه درسی است این امر مستلزم کنار گذاشتن فردیت و عدم حضور زنده و با نشاط افراد در فرایند برنامه درسی است.

## رویکرد تجربه گرایی مفهومی

این دوران از دهه ۱۹۵۰ به بعد که الگوهای برنامه درسی توسط اندیشمندان رشته های علمی دانشگاهی گوناگون در امریکا مورد انتقاد گرفت آغاز شد. این دانشمندان و ریاضی دانان را تجربه گرایان مفهومی نامیدند که با مکتب سنت گرای برنامه درسی ارتباطی نداشتند. تلاش آنها بر این بود تا از طریق آموزش در خصوص ساختار یک رشته علمی و فرایند اثبات اعتبار و موقت در آن، یعنی روش تحقیق، الهام بخش جریان اصلاح برنامه های درسی باشند. تجربه گرایان مفهومی از بسیاری از رشته های علمی به عنوان سیاست گذار و عامل تغییر و نوآوری جایگزین سنت گرایان شدند.

## رویکرد نومفهوم گرایی

رویکرد نومفهوم گرایی چالش و انتقادی جدید را متوجه فرضیه های بنیادین حالتهای موجود نظریه پردازی در برنامه درسی نمود. نظریه پردازی چون مک دونالد، هیوبنر، گرین، پاینار، اپل نقش مهمی در نوسازی مفهومی، موضوعها و روشهای تحقیقات آموزشی ایفا کردند. (جیرو، پنا و پاینار - ۱۹۸۱). این رویکرد با نظریه پردازی با ماهیت اثبات گرایانه و محافظه گرانه که در حوزه نظر و عمل برنامه درسی رواج دارد مخالف است و فاعل انسانی را به عنوان مهمترین عنصر، کانون توجه خود قرار داده به بررسی تجربه درونی انسان علاقه مند است. هویت های نوین برنامه درسی مورد توجه قرار گرفته شده عبارتند از هویت سیاسی / انتقادی، هویت فمینیستی، هویت اتوبیو گرافیکال، هویت زیبایی شناختی / هنری، هویت بین المللی، هویت پدیدارشناختی، هویت پست مدرن / پساساختارگرایی. مقاله حاضر به بیان هویت بین المللی برنامه درسی می پردازد.

## تعریف بین المللی کردن برنامه های درسی

برای فهم مفهوم بین المللی کردن برنامه درسی ضروری است تا مفاهیمی چون جهانی شدن و بین المللی کردن روشن شود. جهانی شدن عموماً به عنوان فرایند پیچیده ای فرض می شود که در برگیرنده جریانات جهانی در ارتباط با افراد، کالاها، ایده ها، برداشت و تصورات، پیام ها، سرمایه و فناوری است. بزعم گیدنس، جهانی شدن می تواند به عنوان افزایش و تشدید روابط اجتماعی جهان شمول تعریف شود که در آن جوامع محلی دور افتاده در وضعیتی قرار می گیرند که آنچه در این مناطق اتفاق می افتد تحت تاثیر حوادثی است که فرسنگ ها دورتر اتفاق می افتد و برعکس. (فتحی واجارگاه ° ۱۳۹۲) مفهوم جهانی شدن از مفهوم بین المللی کردن متمایز شده است. در عرصه تعلیم و تربیت، تعریف ویژه ای از نایت ارایه شده است که بسیار تاثیر گذار و مقبول بوده است. بزعم او بین المللی کردن عبارت است از: فرایند تلفیق بعد بین المللی در تدریس، تحقیق و کارکردهای خدماتی یک موسسه آموزشی. او در برداشتی جدیدتر این تعریف را به شرح زیر مورد تجدید نظر قرار داده است: فرایند تلفیق بعد بین المللی، بین فرهنگی و جهانی در اهداف، کارکردها و نحوه ارایه آموزش و پرورش.

## برداشت های مختلف از بین المللی کردن برنامه های درسی

### ۱- بین المللی کردن برنامه درسی

به معنای تلاش برای دادن وجهه ای بین المللی به برنامه های درسی سازمان ها و نهاد های آموزشی. این برداشت به طور ویژه در سطح نظام آموزشی عالی در دانشگاه های کشور های پیشرفته در سطح جهان رایج و متداول است و به طور کلی ادبیات و جایگاه خاصی در بین کشورهای امریکا، انگلستان، کانادا، استرالیا و مانند آنها دارد.

مهمترین امر موجه این برداشت حاضر شدن دانشجویان خارجی در دانشگاه های این کشورها و سپس گسترش شاخه ها و شعب این دانشگاه ها در سطح دنیا و ممالک مختلف و تولد و ظهور فناوری های جدید نظیر فناوری اطلاعات و ارتباطات برای عرضه هر چه بیشتر برنامه های درسی به صورت آنلاین به اقصی نقاط دنیا بوده است. اخیرا در این راستا بین المللی کردن برنامه های درسی به معنای بین المللی شدن در منزل تعریف شده که به موجب آن دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی و حتی مدارس متوسطه و کالج ها در صدد تدارک فرصت های رشد و توسعه شخصی و حرفه ای به همه دانش آموزان و دانشجویان حاضر در صحنه اقتصاد جهانی هستند و فلسفه و طرز تلقی این موسسات آموزشی نگرینستن به تمام افراد در سطح جهان به عنوان شهروند جهانی است. در این برداشت بین المللی کردن برنامه های درسی متوجه عوامل و متغیرهایی چون محتوای برنامه های درسی کارکنان (مدرسان، معلمان، مدیران و ....) و نیز روش ها و شیوه های یاددهی و یادگیری است به نحوی که توان و قابلیت برقراری ارتباطات بین المللی برای عناصر فوق الذکر فراهم گردد.

## ۲- بین المللی کردن مطالعات برنامه درسی

این بخش از بین المللی کردن برنامه درسی کاملا معطوف به حاکمیت سنت امریکایی بر مطالعات برنامه درسی و تلقی از این رشته به عنوان رشته ای سرتاسر امریکایی است که از دو جهت مورد توجه است: اول افراد و صاحب نظرانی که اساسا محدود و محصورماندن رشته برنامه درسی را به زادگاه اصلی خود یعنی ایالات متحده امریکا نوعی تحجر و جلوگیری از رشد این رشته و درجا زدن آن تلقی می کنند. دسته دوم افراد و صاحب نظرانی هستند که به حاکمیت بی چون و چرای سنت امریکایی بر حوزه اندیشه ها و مطالعات برنامه درسی اعتراض می کنند و درصدد بین المللی کردن برنامه درسی به عنوان یک رشته جهانی و نه صرفا امریکایی هستند و در جستجوی صدایی متفاوت در عرصه و ادبیات برنامه درسی هستند.

اگرچه بسیاری از صاحب نظران رشته برنامه درسی براهمیت توجه به ابعاد بین المللی مطالعه برنامه درسی تاکید دارند، اما متاسفانه آثار منتشر شده در این زمینه از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی کند. این امر از یکسو بدان دلیل است که فهم برنامه درسی به صورت بین المللی کاری بسیار دشوار، گسترده و پیچیده است اما در عین حال فهم برنامه درسی به عنوان یک متن بین المللی امری است که غفلت از آن با توجه به تحولات موجود در سطح جهان امکان پذیر نمی باشد. البته برنامه درسی نمی تواند محدود و محصور به مرزهای ملی باشد. همان طور که پدیده های اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی به طور فزاینده ای مرزهای ملی را در می نوردند، به همان سان تعلیم و تربیت نیز نمی تواند در چارچوب مرزهای یک کشور محدود و مهمور باشد. (فتحی و اجارگاه-۱۳۹۲)

## منابع

- فتحی و اجارگاه، کورش (۱۳۸۴) کالبد شکافی برنامه درسی تجربه شده (مدلی برای پژوهش در برنامه درسی) برگرفته از کتاب قلمرو برنامه درسی در ایران، انتشارات سمت.
- جیرو، پینا و پاینار (۱۳۸۱) نگاه کلی به قلمرو برنامه درسی، ترجمه دکتر مصطفی شریف، برگرفته از کتاب نظرگاهها، رویکردها، چشم اندازها، انتشارات استان قدس رضوی، مشهد.
- فتحی و اجارگاه، کورش (۱۳۸۰) اصول برنامه ریزی درسی، انتشارات ایران زمین، تهران.
- فتحی و اجارگاه، کورش (۱۳۸۱) مباحث تخصص برنامه ریزی درسی، انتشارات ایبژ، تهران.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۱) نظرگاهها، رویکردها، چشم اندازها، انتشارات استان قدس رضوی، مشهد.
- فتحی و اجارگاه، کورش (۱۳۹۲) برنامه درسی به سوی هویت های جدید شرحی بر نظریات معاصر برنامه درسی، انتشارات ایبژ، تهران.